

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

برء الساعه یا بهبود آنی : نوشته حکیم محمدبن زکریای رازی ترجمه دکتر احمد حکیم‌باشی خوانساری

**باب اول در معالجه درد سر است**

و آن بر سه قسم است یا در پیش روی می‌باشد یا در اواسط یا در عقب سر پس اگر در پیش سر باشد و بالای ابرو یقیناً از زیادتی خون خواهد بود و علامت زیادتی خون سرخی چشم و صورت و امتلای عروق است علاجش این است که فصد رک قیفال از دست راست کنند بقدر پنجاه مثقال یا شصت مثقال خون بگیرند یا پنج شاخ حجامت کنند باذن الله تعالی درد سر فوراً ساکن می‌شود و تریاک خوب هم بونیدن و قلیلی هم بر بینی و پیشانی و صدغین مالیدن بسیار نافع است یا اینکه ده دانه عناب دو مثقال تخم گشنیز شیر کشیده میل نمایند فوراً درد ساکت می‌شود و اگر در وسط سر باشد

و علامات صفرا هم باشد مثل زردی چشم و صورت و بیس دو لوله بینی لا محاله از حرارت و صفرا خواهد بود

علاجش این است که پارچه از کتان با روغن گل سرخ آلوده کرده بموضع درد بیاورند فوراً درد را ساکت می‌کند ان شاء الله تعالی یا اینکه کف پاها را بروغن بنفشه بادام و نمک طلا نمایند دفعه درد ساکن می‌شود و بونیدن گل نیلوفر نیز مفید است و بهتر آن است که غذای روز مغز خیار با سرکه کهنه انگوری باشد و غذای شب آش آب انار یا رب سیب یا آب‌غوره یا اینکه دو مثقال تخم گشنیز را در هشتاد مثقال آب‌غوره شیر کشیده بنوشند ان شاء الله تعالی همان ساعت درد را ساکت می‌کند و اکثر از اطباء متأخرین بر این معالجه اتفاق دارند و حقیر نیز مکرراً این قسم معالجه

نموده و نفع کلی بخشیده و اگر در عقب سر باشد لا محاله بیشتر از زیادتی بلغم خواهد بود و علامت زیادتی بلغم بلادت حواس و ثقل و سنگینی سر و سفیدی پوست است.

علاجش قی کردن است با آب ترب و سکنجبین و آب شبیت که نیم گرم کرده بنوشند تا قی بسیار بیاید که بزودی درد را ساکن کند ان شاء الله یا اینکه مربای هلبله کابلی یا مربای آمله بخورند و غرغره بابارچ فیکرا بکنند

**صفة یارچ فیکرا این است بگیرند سنبل الطیب، دارچینی، مود بلسان، حب بلسان، سلیمه مصطکی، اسارون زعفران از هر یک یک مثقال و صبر سقوطری دو وزن همه ادویه و همه را نرم کوبیده دو مثقال آن را با آب گرم غرغره نمایند در همان ساعت درد را ساکن می‌کند بعون الله تعالی**

و یا اینکه نمک و سرکه بکف طلا نمایند و پاها را در آب بسیار گرم گذاشته فوراً درد را ساکن می‌کند باذن الله

**باب دوم در علاج درد شقیقه است**

و این در نیم از سر است

علاجش این است که اگر غلبه خون ظاهر باشد رک پیشانی یا رک بینی یا قیفال زدن نیکو بود و رادعهای محله طلا کردن از قبیل آب گشنیز و آب تاجریزی و سرکه و صندل سرخ و روغن گل سرخ مفید افتد و اگر غلبه با سایر اخلاط باشد تنقیه کردن با یارچ فیکرا که صفتش مذکور شد بسیار مفید بود و همچنین بخور چوب اشنان و بخور استخوان سک و آب سرد بر سر ریختن و آب جو یا دانگی از اشق و دانگی از جاوشیر حل نموده به بینی چکانند قی الفور درد را ساکن می‌کند و اگر مزمن شود سل باید سوزانیدن تا علت انتشار پدید نیاید خاصه که چشم ضعیف باشد بزودی تدبیر سل باید کردن

**باب سوم در علاج صرع است**

علامت صرع سنگینی سر و بسیار آمدن آب دهن و کف کردن دهان است در حین صرع و سفیدی رنگ و کدورت حواس خصوصاً اگر ماده در دماغ باشد و اغلب این است که در زیادتی نور قهر شدت می‌کند

علاجش این است بگیرند عاقر قرها بسفایح اسطوخودوس ایتیمون همه را مساوی کوفته و پخته با دو وزن مجموع مویز منقأ از هسته معجون سازند و هفت مثقال قبل از نوبه صرع بخورد باذن الله تعالی در یک هفته رفع ناخوشی خواهد شد و باید تغذیه در غذا نمایند و غذا منحصر بنخوداب یا گوشت کبک و آهو و تیهو و کبوتر است با ادویه مثل دارچینی و زیره و مغز هل و زنجبیل و کباب دراج نیز در غذا جایز است

**باب چهارم در زکام و نزله است**

و علامتش ظاهر است و علاجش هر چند در ساعت معالجه نمودن آن صعوبتی ندارد لیکن بهتر آن است که آب بسیار گرم بر سر بریزند به حدی که احساس حرارت در دماغ کرده شود که قی الفور رفع زکام می‌شود یا آنکه پارچه از کتان را بدفعات باآش گرم کرده بر سر بیاورند تا آنکه احساس حرارت و گرمی در دماغ بشود در همان وقت رفع می‌شود باذن الله تعالی یا آنکه کندر و میعه یا سه و قسط و سندروس را مساوی هم کوبیده و مخلوط نمایند و بقدر فندقی از آن بخور نمایند منع از سیلان آب از دماغ خواهد کرد و لیکن باید شخص مریض نهایت احتیاط بکند که ماده نزول بسینه ننماید باین قسم که شبها کم بخوابد و روز اصلاً نخوابد و اگر شب بخوابد باید بقفا نخوابد و نشسته تکیه کند و بخوابد و در وقت خواب غرغره به آب خشخاش نماید و بعد بخوابد و در غذا نهایت تغذیه نماید و روی غذا البته نخوابد و هفت مثقال زنجبیل و سیاه‌دانه را نیمکوب کرده در پارچه ببندد و ببوید تا آنچه ماده در دماغ است بمنخر دفع شود و بسینه نزول ننماید و این حب نیز در منع نزول مواد بسینه بسیار مفید است صفت آن بگیرند نشاسته و کتیرا و رب السوس و تخم خیار و تخم کدو و خشخاش و مغز بادام مقشر و باقلای مقشر مساوی هم بکوبند و مثل نصف مجموع نبات داخل کرده حبها بقدر نخود ساخته و شب و روز حبی از آن در دهن نگاه دارند خصوصاً در وقت خواب و همین محمد زکریا در کتاب من لا یحضره الطیب می‌گوید که نگاه داشتن سپستان در دهان و همچنین کتیرا در منع نزول مواد بسینه بفایت مفید است و در کتب متقدمین از قبیل ذخیره ثابت بن قره و کتاب شمعون یهودی و ابن ماسویه نیز مذکور است و باید از چیزهای شور و ترش و عفس اجتناب کنند و بهتر آنست که تا یقین بهم نرساند که ماده بسینه نخواهد ریخت قطع مواد رطوبات از منخرین ننماید تا اینکه یقین کند که آخر زکام است در آن وقت این معالجه بسیار مفید است همچنانکه خود محمد زکریا در کتاب فاخر و در کتاب من لا یحضر می‌گوید تا از برای مریض ممکن است آب آمدن از منخرسد آن نباید کرد که مبادا بسینه بریزد و هرگاه ماده زکام از منخرین سد شود شونیز ببوید و شیخ ابو علی نیز تصریح به این مطلب کرده و اگر ماده بسینه ریخت علاجش این است که ماء الشمیر خشخاشی با شربت بنفشه بنوشند

### صفت ماء الشعير خشخاشی این است

بگیرند جو پوست‌کنده نشکسته را هفت مثقال کوکنار سه دانه با صد و شصت مثقال آب یا عرق گاو زبان با آتش ملایم بجوشانند تا هشتاد مثقال آن بماند با پنج مثقال شربت بنفشه بنوشند

### صفت شربت بنفشه

بگیرند ده مثقال گل بنفشه را جوشانده صاف نمایند آنگاه با بیست مثقال شکر سفید بقوام آورند و یا با شربت زوفای خشک بنوشند

### صفت شربت زوفا

هفت مثقال زوفای خشک ده دانه سیستان ده دانه انجیر خشک دو مثقال اصل السوس جوشانده و صاف نمایند آنگاه با چهل مثقال شکر سفید بقوام آورند و غذای روز شوریای کدو و اسفناج با گوشت بره یا خروس بچه و اگر تب نباشد نان با مربای سیب و غذای شب تر طعام با زرده تخم نیم برشت و هر گاه مانع از فصد نمودن نداشته باشد بقدر قوه و ضعف نزله و مریض اخراج خون باید نمود که بسیار مفید است و حقیقه در این مرض فایده ندارد بلکه خطر عظیم دارد که خلط را بحجب سینه می‌کشد و رفع نمی‌توان کرد خاصه در کسی که حجابات سینه او ضعیف هم باشد

### باب پنجم در درد چشم است

بهترین تدابیر در محافظت چشم این است که حفظ کند چشم را از هوای بسیار گرم و بسیار سرد و از گریه بسیار و نظر کردن بخطوط دقیقه و اشیاء مصینه براق و بقفا خوابیدن و سکر متواتر و باد شدید و غبار غلیظ و دود شدید و مداومت بخوردن سیر و پیاز مگر اشخاصی که عادت دارند بخصوص اهل دار المرز و اهل سن شیخوخت و علت این در کتاب شرح جوامع بیان شده و همچنین مضر است فصد کردن و حمام کردن و بیخوابی و بهمام رفتن و جماع کردن بسیار

### و نفع می‌کند چشم را

تلین طبیعت و گشودن چشم در آب صاف و سرمه سنگ اصفهانی و توتیای هندی که تربیت کرده باشند با آب رازیانه یا آب مرزنجوش و برود رمان

### صفت برود رمان

بگیرند آب انارین را با پیه آن یکمن با صد مثقال عسل صاف کرده و با آتش ملایم بجوشانند و کف او را گرفته تا اینکه بقوام آید و غلیظ شود پس در بعضی اوقات با میل بچشم بکشند بسیار تقویت چشم می‌کند و همچنین آب بادیان تازه را بگیرند و شکر سفید داخل بکنند در قوت چشم بی‌مدیل است مثلاً بیست مثقال آب بادیان را با پنج مثقال شکر سفید داخل کرده صاف نمایند و گاهی بچشم بچکانند و اگر رمزی بواسطه حرکت در آفتاب یا مجاورت با آتش عارض شود علاج این است که تریاک بمانند و ببینند و پوست هلیله زرد را نرم ساینده از نایفه بیرون کرده بچشم بکشند دفعه درد را ساکن می‌کند باذن الله تعالی محرر گوید که این آب بادیان برای تقویت چشم از مجربات و نهایت مفید است حتی آنکه حیوانات فایده آن را بر خود داده‌اند چنانچه افعی تقویت چشم خود بدان نماید

### باب ششم در علاج درد دندان

علاج آن است که اگر درد بمشارکت عضو دیگر نباشد بگیرند مویز را و با پنبه کهنه در هاون سنگی کوفته و بر دندان دردناک نهند فوراً ساکن می‌شود یا بگیرند قیراطی از سکر العشر و بر پنبه پیچیده بر دندان نهند درد را ساکن می‌کند و همچنین غلیبه و قطر آن نیز چنین است و داغ کردن دندان با آتش فوراً درد را ساکن می‌کند و هیچ تدبیر در ساکن کردن درد دندان بهتر از آن نیست که آب سرد کرده برف و یخ در دهان گیرند بدفعات و چون گرم شود بریزند و باز تازه کنند و گاه باشد که اول درد زیاد شود لیکن ساکن خواهد شد باذن الله تعالی

### صفت معجونی که درد دندان را بنشانند

بگیرند تریاک و میعه یابسه و پازهر از هریک دو مثقال و فلفل و حلیث شامی از هر یک یک مثقال باهم بکوبند و بدوشاب برشند و بر دندان دردناک نهند

### باب هفتم در تدبیر کردن دندان است بدون کلبتین باسانی

عاقراً قرحا را کوفته و بیخته و با سرکه برشند و یک ماه در آفتاب نهند و هر روز آن ظرف را حرکت دهند و اگر سرکه کم شود زیاد کنند تا آنکه بفلظت عسل شود پس یک قطره از وی بر آن دندان که می‌خواهند بکنند بکنند و ساعتی صبر کنند پس بیازمایند و برکنند اگر باسانی برآید آنها و اگر نه روز دیگر برنهند تا باسانی کنده شود یا بگیرند آب ریشه توت را و در جام کرده در آفتاب نهند تا بقوام عسل شود و در روزی سه بار بر آن دندان را بان طلا کنند باسانی کنده شود ان شاء الله تعالی و لیکن احتیاط باید کرد که بدندانهای دیگر نرسد به این طریق که دندانهای دیگر را بضمیر یا موم پوشیده دارند و الله اعلم

### باب هشتم در بدبونی دهان است

اگر سبب بوی دهان معده باشد علاجش این است بگیرند مویز منقأ از هسته و برک مورد تازه مساوی هم کوفته باهم سرشته بمقدار فندقی در هر صبح بخورند بوی دهان را ساکن می‌کند ان شاء الله تعالی یا بگیرند مویز و اهل را مساوی یکدیگر کوفته و سرشته بمقدار فندقی بخورند بسیار مفید است باذن الله تعالی

### باب نهم در حناق و ذبحه است

اگر سبب زیادتی خون باشد علامتش آن است که چشم و روی و زبان سرخ باشد و اگر سبب زیادتی صفرا باشد علامتش آنکه دهان تلخ و خشک شود و درد و سوزش و حرارت و تشنگی شدید بهم رسد و اگر سبب زیادتی بلغم باشد طعم دهان شور باشد و رنگ زبان سفید باشد و حرارت و تشنگی اندک باشد و اگر سبب زیادتی سودا باشد طعم دهان ترش باشد یا عفس و اندک‌اندک بهم رسد علاج آن است که هرگاه قوه قوی است و از فصد مانعی نیست اول فصد کند و چندان خون بگیرد که در غش افتد خصوصاً در حناق دموی که ان شاء الله زایل شود یا اینکه بگیرند سرگین سک را با رب توت بیامیزند و بدان فرغره کنند فی الفور درد را ساکن می‌کند و اگر سرگین آدمی و سرگین خطاف و سرگین سک از بیرون حلق طلا کنند بسیار مفید خواهد بود

### باب دهم در چسپیدن زلو است بخلق

علاجش آن باشد که سرکه و نمک فرغره کنند یا آنکه بگیرند مگسی که در باقلا است و بکوبند و در سرکه حل کنند و فرغره نمایند در حال ساقط گردد باذن الله تعالی و تدبیر دیگر آن است که سیر با سرکه پرورده یا سیر تنها بخورند و در حمام روند و در آب بسیار بنشینند تا عطش غلبه کند و هر ساعت آب سرد کرده با برف و یخ در دهان گیرند یا بر لب نهند بطلب آن آب زانو ببالا برآید و اگر سیر بخورند و در آفتاب نشینند یا بدون و دهان باز کنند و کیسه آب سرد بر لب نهند تا از گرما بگریزد بیرون آید بحول الله تعالی اسهل معالجات این است که شخص طبیب متدینی را شنیدم می فرموده کهنه را بلجن و لای ته جوی یا حوض آلوده کنند و بر لب دهان گذارند فی الفور ببوی لجن و لای ببالا برآید و بدان کهنه آویزد و می فرمود خودم تجربه کرده ام و معتدل است

#### باب یازدهم در امراض گوش است

یک قسم از آن دوی و طنین است که دو آواز دروغ است که در گوش بهم می رسد علاجش آن است که بگیرند افتمون شامی بسیار خوب و در آب بخیسانند آنگاه صاف کنند و قطره از او در گوش چکانند دفعه ساکن می کند باذن الله تعالی و همچنین روغن افستین و روغن سوسن نیز ساکن می کند باذن الله تعالی

#### صفت گرفتن روغن افستین

ده مثقال افستین را با آب جوشانیده و صاف نموده با ده مثقال روغن زیتون جوشانیده تا آب آن تمام شود و روغن بماند و بهمین طریق است گرفتن روغن سوسن

#### باب دوازدهم در رعاف یعنی خون آمدن از بینی است

و آن بر سه گونه است یکی آنکه قطره چند آید و باز ایستد دوم آنکه قطره قطره آید و دیر بایستد سیوم آنکه بسیار آید علاجش آنکه اگر سبب زیادتی خون باشد باز نباید داشت تا آنچه طبیعت دفع می کند برود پس اگر از حد بگذرد و قوت ساقط شود تدبیر باز داشتن باید کرد و رک زدن و خون اندکاندک از رک بیرون کردن بهترین علاج است و داروهائیکه خون آمدن از بینی را باز دارد چکانیدن آب ریحان و آب پونه و آب شکوفه خرما و آب سرگین تازه ماده الاغ است و چکانیدن آب گشنیز نیز با کافور سخت نافع است و مکرر بتجربه رسیده است و بیم ضرری هم نیست و همچنین آب سرد بر سر ریختن وارد جو و گل ارمنی و اقاچیا و گلنار فارسی و صندل سرخ و اندکی کافور و قلیلی تریاک همه را سرکه بسرشتد و بر سر و پیشانی طلا کنند و اگر کج گشته سرکه حل کرده بر سر و پیشانی طلا کنند نیکوست و اگر حاجت بداروی داغ کننده شود بگیرند شب یمانی را و نرم سانیده و اندکی به بینی دهند یا نهایت احتیاط فورا باز دارد و حجامت یا بس بغایت مفید است پس اگر از سوراخ راست بینی خون آید حجامت را از زیر پستان راست باید نهاد و اگر از سوراخ چپ آید بزیر پستان چپ باید نهاد و اگر از هر دو سوراخ بینی آید بر هر دو جانب باید نهادن و بستن بازوها و رانها و در آب سرد نشستن و آب سرد در دهان گرفتن بسیار مفید است و الله اعلم

#### باب سیزدهم در قولنج لیلا ووسی

علامتش سردی دست و پا است و شدت درد و خوردن غذاهای غلیظ قبل از حدوث مرض و تخمه شدن قبل از آن و نگدشتن غذا و بیس طبیعت و عدم اشتها است علاجش بهترین تدابیر در اول حفته و شیاف کردن و منع از غذا است صفت حفته بگیرند آب پاچه دویست مثقال و شکر سرخ و گز انگبین علفی و ترنجبین از هر یک دوازده مثقال و ریوندچینی و نمک طعام و بوره ارمنی از هر یک نیم مثقال این ادویه را با آب پاچه بیامیزند و نیم گرم در سه دفعه حفته کنند یا بگیرند شیر گاو نیم تبریز گل سرخ و اکلیل الملک از هر یک دو مثقال نرم کوفته با شیر ممزوج نموده و گز انگبین علفی و ترنجبین از هر یک دوازده مثقال در شیر حل نموده نیم گرم حفته کنند یا بگیرند آب برک چقدر صد و شصت مثقال و شکر سرخ یا نبات بیست مثقال با روغن بید انجیر یا گنجد دوازده مثقال و نیم گرم کرده حفته کنند

**صفته شیا** بگیرند شحم حنظل سه مثقال با شکر سرخ بسرشد و شیاف کنند و لیکن این شیاف باعث حرارت و بیخوش می شود و علاجش این است بگیرند تخم کشنیز و زیره و کردیا و صعتر و کلپر و نارदान خشک از هر یک سه مثقال با نود مثقال آب بجوشاند تا بنصف رسد پس صاف نموده و هفت مثقال ابکامه داخل کنند و مقدار هفت مثقال از آن را بخورند دفعه درد ساکن می شود باذن الله و باید دانست که تا بحفته و شیاف تفتیح نکند دواهای مسهل نباید داد و علت آن را در شرح جوامع بیان کرده ایم و بهترین مسهلها این معجون است فلفل دار فلفل زنجبیل زیره سداب خونچکان و خرفه از هر یک نه مثقال و ستمونیا نه مثقال این ادویه را نرم کوبیده و با عسل مصفا چهل مثقال بسرشد چنانکه رسم است و قدر شربتش یک مثقال تا یک مثقال و نیم است فورا اسهال می کند

#### باب چهاردهم در علاج زحیر است

و آن یا صادق است و یا کاذب علاجش آن است که یا یک روز یا دو روز هیچ طعام نخورند تا امعاء پاک شود از خلط و چند روز صبح لعاب ریشه خطمی و لعاب اسفرزه را با عرق بید گرفته و با یک مثقال بارهنگ و یک مثقال تخم ریحان با روغن بادام چرب نموده داخل لعابها کرده بخورند و حفته نیز بسیار مفید است بخصوص در زحیر کذب صفت حفته بگیرند لعاب اسفرزه و لعاب ریشه خطمی و ترنجبین پنج مثقال و روغن بادام سه مثقال همه را نیم گرم کرده و در دو دفعه حفته نمایند و غذای روز آش بادام و شب چلو با زرده تخم نیم برشت و اگر زحیر در طفل شیرخواره بهم رسد بهترین علاج اولاً پرهیز کردن مادر است بگیرند تخم ریحان و زیره کرمانی مساوی هم کوفته و بیخته با روغن گاو کهنه خمیر کرده با شیر مادر بنوشد در همان ساعت ساکن می شود باذن الله تعالی

#### باب پانزدهم در علاج اسهال معدی است که آن را بهری خلفه گویند

علامتش آروغ ترش و قلت عطش و دفع شدن طعام بدون هضم و گاهی عطش کاذب نیز بهم رسد علاجش این است بگیرند عنص و کندر از هر یک پنج مثقال نانخواه و تخم ترب از هر یک دو مثقال و نیم تریاک یک مثقال کوفته با عسل مصفا بسرشد و حب سازند قدر شربت آن یک مثقال است بنوشند در ساعت علاج اسهال می کند ان شاء الله تعالی یا آنکه بگیرند نانخواه و کندر و گلنار را مساوی و نرم کوفته و مویز سیاه را نیز کوفته دواها بدان بسرشد در صبح و شام مقدار سه مثقال بخورند و این ضماد نیز بسیار نافع است بگیرند کافور و صندل سرخ و با آب ریحان حل کنند یا در شراب و خرفه بدان تر کنند و بر معده نهند و بهترین تدابیر آن است که بحمام بسیار گرم بروند و بدن را مالش بسیار دهند و بر عطش صبر کنند و آب مطلقاً نخورند و غذا شبانه روزی یکدفعه کباب کبک و تیهو و گنجشک و مانند آن با دارچینی و فلفل و زیره هر یک که باشد تناول کنند نافع است

#### باب شانزدهم در خروج مقعده است

بگیرند سم گوسفند و شاخ سوخته گوزن و جفت بلوط و گلنار و شب یمانی و عنص و گل سرخ و پوست انار و مورد سبز اجزا را مساوی هم کوفته و با آب بیزند و صاف نمایند و در آن آب نشینند و سفل آن را نرم کوبیده با روغن گل سرخ بمانند تا مثل مرهم شود بر موضع معتاد ضماد کنند و اگر شقاق در مقعده باشد بهتر آن است که بروغن تخم مرغ یا روغن مغز هسته زردالو یا روغن مغز شفتالو چرب کنند و اگر آماس و حرارت و سوزش نیز باشد بگیرند سفیده تخم مرغ را با روغن گل سرخ در هاون سربی بسایند تا سیاه شود و محل معتاد را طلا نمایند بسیار مفید است

#### باب هفدهم در علاج بواسیر است



و آن بر دو قسم است یکی دانه ایست که در اندرون یا بیرون مقعده پدید می آید دوم بادی است که در تھی گاه و حوالی کرده و کمر و زهار و مقعده می گردد که آن را باد بواسیر گویند اما آنکه دانه بود بر دو گونه باشد یکی آنکه هیچ خونی و رطوبتی از وی نیاید و درد کند و دیگری آنکه خون و رطوبتی از وی آید و کم درد کند و بسیار باشد که هیچ درد نکند و این دو قسم بر هفت شکل باشد یکی همچون فلس ماهی دوم نخلی یعنی همچون درخت خرما سیوم تینی یعنی همچون دانه انجیر چهارم عنبی یعنی همچون دانه انگور پنجم عدسی ششم تولولی هفتم توتی مثل دانه توت و علامتهای هر یک ظاهر است علاجش ریاضت بسیار و مالش دادن بدن و حمام رفتن و سواری بسیار کردن است و اگر خون آید و فسادی داشته باشد رک با سلیق ززند و بدن را بمطبوخ هلیله از خلط فاسد پاک کنند صفت مطبوخ هلیله بگیرند تخم کاسنی و گل بنفشه و گل سرخ از هریک دو مثقال و پوست هلیله زرد و هلیله سیاه و پوست بلیله از هریک سه مثقال سناء مکی دو مثقال تربد مجوف نیم مثقال ترنجبین دوازده مثقال آلو بخارا دوازده مثقال همه را خیسانیده و جوشانیده صاف نموده بنوشند و اگر درد شدت داشته باشد بگیرند دانگی از لوف شامی و آن را بفارسی فیل گوش گویند برک بابا آدم نیز گویند و بخور نمایند فی الفور درد را ساکن می کند یا آنکه بگیرند دانگی از مقل ازرق و دانگی از لوف و حب نماید و آن حب را بخور کنند دفعه درد ساکن می شود بادن الله تعالی و اگر احتیاج افتد بگشودن خون بواسیر باید شخصی در آب گرم نشیند و روغن مغز هسته زردالوی تلخ و روغن مغز شفتالو و روغن کوهان شتر بر محل معتاد بمانند تا بواسیر نرم شود و تفتیح شود یا بگیرند آب پیاز را و پنبه را بدان آلوده کرده بردارند و اگر بجای آب پیاز زهره گاو باشد و یا عصاره نخود مریم بهتر است و زودتر بگشاید و این شیاف نیز در تفتیح خون بواسیر بی عدیل است بگیرند شحم حنظل دو مثقال و نیم و مغز بادام تلخ سه مثقال نرم کوبیده شیاف کنند هر ساعت یک شیاف تا پنج ساعت پنج شیاف کنند دفعه تفتیح کند و مادامیکه خون سیاه باشد و رنگ بشره زرد نشود و پاها سست نگردد حبس نباید کردن و بسا علتها که در ضمن آن متصور است از قبیل خفقان و سنگینی بدن و مایخولیا و غیر آن و اگر خواسته باشند حبس کنند این شیاف بسیار نافع است صفت آن بگیرند مغز چشم و گنجیده و خون سیاوشان و کهربای شمعی مساوی هم با روغن کوهان شتر برشد و شیاف سازند و این قرص نیز بسیار نافع است صفت آن بگیرند بلوط و مقل و کهربا شمعی و صمغ عربی از هریک یک مثقال کتیرا و نشاسته و گل مختوم از هریک نیم مثقال با آب بارهنگ قرصها کنند شربتی دو مثقال یا دوازده مثقال شربت زرشک میل کنند.

#### باب هجدهم در علاج نواصیر است

و آن قرصه ایست در مقعده که دایم ریم و چرک از او دفع می شود و گاه باشد که ریخ و براز هم از وی دفع شود علاجش آن است که بگیرند توتیای سبز را و بپاشند یا آنکه بگیرند زاج سفید و زنگار مساوی هم نرم کوفته بپاشند دفعه قطع چرک می کند و اگر از اینها باصلاح نیاید قطع باید کرد و طریقه قطع در کتاب شرح جوامع بیان شده و الله اعلم

#### باب نوزدهم در علاج عرق النساء و وجع و رک است

سبب این درد ماده رطوبی است که در پیوند ران بهم رسد و آنچه در بیرون ران بود و اندکی از ران فرود آید آن را وجع و رک گویند و آنچه میل کند بجانب اندرون و فرود آید نزدیک باینکه بپاشنه و انگشتان پا رسد آن را عرق النساء گویند و اغلب این ماده از رطوبت بلغمی بود علاجش آن است که اول ماده آن را بمسهلات قویه دفع کنند و بقیه آن را بمحلات قویه تحلیل برند که تا ماده را از عمق عضو بکشد آنگاه عضو را تقویت نمایند تا دیگر فضله را قبول نکند و اگر ماده آن رطوبت دموی باشد فصد باسلیق از جانب معادی باید کرد و قطع غذا نمودن یا قلیل غذای لطیف خوردن و اگر درد از جانب وحشی ران و ساق فرود آمده باشد فصد عرق النساء باید کرد و اگر از جانب انسی فرود آمده باشد فصد صافن باید کرد صفت حبس که اسهال آورد و اسهالش پنج دفعه یا شش دفعه بیشتر نباشد بگیرند صبر سقوطری و پوست هلیله زرد و سورنجان از هریک یک مثقال نرم کوفته با گلاب حب سازند این جمله یک شربت بود در همان روز درد را ساکن می کند بعون الله تعالی صفت حب دیگر بگیرند پوست هلیله زرد و تربد از هریک سه مثقال و مقل ازرق یک مثقال و گشنیز نیم مثقال و تخم حنظل و سقمونیا از هریک یک مثقال و کتیرا نیم مثقال قدر شربتی دو مثقال تا سه مثقال است و اگر بنیه ضعیف باشد اسهال بجوارش سفر جلی باید کرد صفت از این است بگیرند به شیرین و پاک کرده از تخم یکمن تبریز و در یکمن دوشاب ترش شده بجوشانند تا خوب پخته شود و جرم آن را بگیرند و با نود مثقال عسل صاف بقوام آورند و این ادویه را نرم کوفته داخل نمایند زنجبیل دار فلفل دارچینی از هر یک دو مثقال و هل و قاقله کبار و زعفران از هریک سه مثقال و مصطکی پنج مثقال سقمونیا و تربد بروغن بادام چرب کرده از هریک هفت مثقال و قدر شربت آن پنج مثقال است صفت صماد محلل حضوض مکی صبر و صندل و زعفران از هریک دو مثقال گل ارمنی یک مثقال کلم سوخته چهار مثقال همه را با آب تاجریزی و آب کاسنی بسایند و صماد نمایند صفت صماد دیگر بگیرند برک کلم را در آب بپزند و بگویند و زرده تخم مرغ و قلیلی درد سرکه و اندکی آرد جو و دو مثقال روغن گل سرخ باهم بیامیزند و برشد و صماد کنند

#### باب بیستم در علاج جرب است

و آن بر دو نوع است یکی جرب رطب و دیگری یابی و ظاهرترین علامتش آنست که اول بر میان انگشت پدید آید علاجش آن است که استخراغ صفراء محرق یا بلغم مالح مکرر باید کردن بنقیع صبر و حب انیل که بسیار نافع است و بتجربه رسیده است صفت تقیع صبر بگیرند صبر یک مثقال یا بیست مثقال آب کاسنی و بیست مثقال آب شاهتره و یک شبانه روز خیسانیده و صبح بخورند بدین طریق که سه روز پیوسته بخورند و سه روز بیاسایند و بخورند و باز سه روز بخورند و سه روز بیاسایند بهمین منوال تا نه مثقال از صبر خورده شود بالمره جرب برطرف خواهد شد و مطبوخ هلیله که پیش ذکر شد با آب شاهتره و آب کاسنی بسیار مفید است و در روزهای غیر مسهل منضج خفیفی از قبیل تاجریزی و پر سیاوشان و خارخسک و ریشه کاسنی و تخم کاسنی از هریک دو مثقال با آب کاسنی و آب شاهتره از هریک بیست مثقال بخورند و پس از تنقیه اصلاح مزاج کردن برفق با آب کاسنی و شاهتره با سکنجبین است و بعد از آن تدبیر دواهای مایلدنی باید کرد تا ماده خشک شود و قبل از تنقیه جایز نیست خشک کردن

#### صفت طلانی که فوراً جرب را خشک کند و درد و خارش و سوزش را ساکن کند خاصه جرب رطب را

بگیرند صمغ عربی و هلیله کابلی مساوی هم نرم کوفته از تافته بیرون کرده در آب کافور حل کرده ببدن بمانند و بعد از خشک شدن دوا روغن زیت و قطره از عسل سکر العشر بر روی دوا بمانند صفت طلای دیگر بگیرند مامیران اقلیمیافضی و قنبیل و مردار سنگ و زردچوبه مساوی هم نرم کوفته با روغن گل سرخ یا روغن زیت مخلوط کرده طلا کنند و غذای روز گاهی سکنجبین با مغز خیار و انارین یا آش سرکه شیره است و شب تر طعام بخورند و از غذاهای شور و چرب و شیرین اجتناب نمایند و ملازمت حمام بسیار مفید است اما خارش که بی جرب باشد آب کرفس و سرکه و گلاب و روغن گل سرخ طلا کردن و بعد از ساعتی بحمام رفتن بسیار مفید است

#### باب بیست و یکم در خارش دست و پا و سایر اعضاء است

اگر خارش در دست و پا بهم رسد علاجش آن است که بگیرند آب بسیار گرم را و کفی از نمک طعام در او ریزند و دست و پا را در میان آن تا یک ساعت بگذارند دفعه خارش را ساکن می کند بادن الله تعالی یا بگیرند آب برک چقدر را گرم کنند و دست و پا را در وی نهند و بعد از ساعتی بیرون آورند و با روغن بادام یا کره گاو طلا کنند و اگر در چشم بهم رسد سفیده تخم مرغ را با نشاسته و گلاب بزنند و در چشم صماد نمایند و اگر خارش در مقعده و فرج بهم رسد بگیرند شب یمانی سوخته و قطر آن را مساوی هم به پنبه آلوده کرده بخود بردارند یا آب انار ترش و شیرین را مخلوط کرده در آفتاب نهند تا اندکی غلیظ شود و به پنبه آلوده کرده بخود بردارند نافع است

### باب بیست و دویم در علاج سوختگی آتش است

باید دانست که تا ممکن است نباید گذاشت زخم شود بطلا کردن دواهای بارد و یاس که لادغ و گزنده نباشد مثل آجر آب ندیده سفید و سفال آب ندیده سفید و صندل و فوفل همه را با آب کشنیز سبز ساینده طلا نمایند یا آنکه گل ارمنی یا گل سرشوی با آب تاجریزی و روغن بادام طلا نمایند یا آنکه حنا و گل ارمنی با آب سماق یا با سرکه سرشته طلا نمایند و با روغن کنجد یا با روغن گل سرخ طلا کردن نیز مفید است و اگر متقروح و زخم شود بمرهم آهک علاج باید کرد اگر وجع و درد شدید نباشد صفت آن بگیرند آهک آب نرسیده سه نوبت یا هفت نوبت با آب بشویند و خشک کنند و با روغن زیتون یا روغن کنجد یا روغن گل سرخ و قلیلی سفیده تخم مرغ و اندکی سفیداب قلع بسرشد و مرهم سازند و طلا کنند و اگر وجع و درد شدید باشد بگیرند مردار سنک و آهک شسته و گل سرخ و حنا مساوی هم و مجموع را نرم ساینده و زخم را با روغن گل سرخ چرب نموده و این دواها را بپاشند دفعه درد را ساکن می‌کند و کمتر از سه روز زخم ملتئم شود باذن اله و گاه باشد که بسبب نوره زخمی بهم رسد

علاجش آن است بگیرند گل سرشوی و آرد جو با روغن بادام یا روغن کنجد بسرشد و طلا کنند بسیار مفید است و با آب سرد شستن نیز مفید است و اله اعلم

### باب بیست و سوم در علاج کسی است که او را بچوب یا غیر آن زده باشند یا اینکه از جانی افتاده باشد

بهترین چیزی که درد و ورم زخم را از عفونت بازدارد پوست گوسفند است در همان ساعت که از گوسفند باز کنند و گرم و تر باشد بموضع الم بپوشانند و بگذارند تا بر او خشک شود چون بردارند درد و ورم زایل شده باشد خاصه اگر اندک نمک یا خاکستر چوب گز بر آن محل بپاشند و پس از آن پوست را بپوشند و اگر بگیرند اتفاقاً و صبر و ماش و مغاث و گل ارمنی مساوی و مجموع را نرم ساینده با آب برک مورد بسرشد و بر موضع کوفته شده طلا نمایند فی الفور درد ساکن گردد و کبودی عضو رفع شود بعون اله تعالی

### باب بیست و چهارم در خستگی و تعبی که از ریاضت و سواری و پیاده روی بهم رسد

اولاً باید دانست که بسیار باشد که بواسطه سواری و سایر ریاضات خستگی شدیدی بهم رسد خاصه در وقتی که فضولات در بدن بسیار باشد در این هنگام محتاج علاج شود و علاجش این است که اول ترک سواری و ریاضت باید کرد و آسایش و خواب بر بستر نرم جستن و آنگاه تحلیل فضلات که در حوالی جلد و عضلات محتسبی گشته باستحمام و دلك متواتر و افتسال بگرمابه‌های معادن و تدهین بادهان محلله از قبیل روغن بابونه و روغن شبیت و روغن بنفشه و غیره کردن و همچنین تدهین کردن ناخنهای پا را بهر روشی که باشد دفعه رفع خستگی می‌کند خصوصاً اگر خستگی بسبب پیاده روی باشد و اگر فصل تابستان باشد پاها را در آب سرد گذاشتن و در زمستان در آب گرم نیز مفید است

### باب بیست و پنجم در تدبیر حفظ کردن موی از سفید شدن است

باید دانست که بهترین تدابیر حذر کردن از چیزهای بارد و رطب است از فواکه و خیار و امثال آنها و بعضی از بقول که در آنها رطوبت زاید باشد خاصه کاهو اما ادویه که در این باب نافع است باتفاق کل حکما هلیله جات و امله و سیر و پیاز و زنجبیل و دارچینی و بادیان و زیره و میخک و زرجوبه و زرنیاد و معاجیتی که در آنها لعل و یاقوت و مشک و جدوار و عنبر و ورق طلا و نقره و یازهر حیوانی باشد چنانچه در قرآباد یتبات مذکور است صفت روشنی که طلا نمودن آن مانع از سفید شدن موی شود بگیرند سیاه‌دانه و سعد و میخک از هر یک هفت مثقال کوبیده و جوشانیده و صاف کنند پس با چهل مثقال روغن زیتون یا روغن پنبه‌دانه بجوشانند تا آب آن تمام شود و روغن بماند پس در بن موی طلا کنند و طلا نمودن روغن قسط نیز همین خاصیت دهد صفتش این است که بگیرند قسط تلخ چهل مثقال و سلیفه سه مثقال کوبیده و یک شبانه روز خیسانده و و با نود مثقال روغن کنجد با آتش ملایم جوشانیده تا آب آن برود و روغن بماند پس صاف نموده استعمال نمایند صفت خضابی که موی را سیاه کند بگیرند حنا و میخک و خبث الحديد از هر یک جزوی و وسه ده جزو همه را با آب نارنج یا لیمو گرم کرده بسرشد و بکار برند و اگر از این خضاب خشکی و شکستگی در موی پدید آید بروغن بنفشه بادام چرب باید کردن اما اگر موی سفید را خواسته باشند که سفیدتر شود برف وارد برنج را مخلوط کرده شب ببندند و صبح با آب غسل بشویند یا با آب نارنج با برف هر صبح بشویند موی را سفیدتر کند و اله اعلم

### باب بیست و ششم در تدبیر رفع و ستردن موی است بی‌نوره خاصه در بدنی که بسیار نازک بود و بیم آن باشد که از نوره زخم می‌شود

بگیرند زرنیخ و آهک آب ندیده مساوی هم و خمس مجموع صبر و با آب بجوشانند و در آفتاب بنهند تا بیه نشیند و صاف نموده دیگر باره زرنیخ و آهک در آن کنند و بجوشانند و در آفتاب نهند و مکرر چنین کنند تا اینکه اگر پر مرغ بدو فرو برند در حال موی آن برود پس فوری روغن گاو یا غیره در آن ریزند و با آتش نرم ملایم بجوشانند تا آب آن برود و روغن بماند پس بکار برند که موی را ببرد و هیچ نسوزاند و اگر بوی آهک را خواهند دفع کنند بگیرند آب برک شفتالو با سرکه و گلاب بمانند و لحظه صبر کنند آنگاه بشویند یا آنکه آب ریحان با آب برک بید و آب برک مو و قلیلی میخک داخل کرده بماند نیکو بود و اگر خواهند بکلی منع موی کنند که نرود یا اگر بروید رقیق بود بگیرند آب برک شاهدانه و تخم مورچه و شوکران و سرکه بهم آمیخته بر هر موضع که خواهند موی بیرون نیاید طلا کنند و اگر بیرون بیاید طلا کنند و اگر بیرون بیاید رقیق بود و بجاودامت کردن برطرف شود و اگر موی داشته باشد بکنند و بتخم مورچه و تریاک و سرکه و گلاب طلا کنند نیکو بود و همچنین مالیدن خون خفاش و خون کثیف دریانی و خون خارپشت و زهره هدهد و خاکستر پوست مار و صدف سوخته با سرکه یا با آب برک شاهدانه بفانت مفید است و بجهت موی زیر بغل پیه دراج را حکما آزموده‌اند اول موی را بکنند پس آن پیه را بدفعات بمانند ضعیف می‌شود تا برطرف شود

### باب بیست و هفتم در کند بغل و در کند عرق است

پس هرگاه بسبب امتلاء و تعفن اخلاط باشد علاجش تنقیه و استفراغ است و هرگاه بسبب دیگر باشد از قبیل تاخیر غسل جنابت و حیض و زیادتی حرارت قلب و جگر و غذاهای بدبو و خوردن حلبه و پیاز بسیار ترک آنها باید کرد و هر صبح چیزهایی که بوی عرق را خوش کند خوردن مانند عرق بیدمشک و آب‌لیمو و قند یا آلو بخارا را خیسانده با گل سرخ و گلاب یا عرق دارچینی و عرق فرنجمشک با قند و طلا کردن صندل و سعد با آب برک مورد تازه یا با گلاب ساینده و یا پوست نارنج بگلاب ساینده یا آب برک سیب یا آب به یا شیرین بیان و حمام متواتر رفتن و شستشوی کردن و پیراهن را با عرق بیدمشک و گلاب تر کردن مفید است

صفت - قرصی که کند بغل را زایل کند بگیرند صندل سرخ و سلیخه و گل سرشوی و گل سرخ و زاج سفید سوخته از هر یک یک مثقال کوفته و با گلاب بسرشد و قرصها ساخته در سایه خشک کنند و در وقت حاجت با گلاب ساینده بمانند

### باب بیست و هشتم در رفع لاغری مفرط است

اولاً باید دانست که سبب لاغری چیست تا رفع آن توان کرد مثلا اگر سبب لاغری غذایی بود که از وی خون رقیق تولد کند غذای مخالف آن باید خورد و اگر بسبب ضعف قوه هاضمه بود تقویت آن باید کرد بمعجون سفر جلی چنانکه قبل از این مذکور شد و اگر سبب ضعف قوه جاذبه و یا بسبب ضیق مسامات بدن بود ریاضت معتدل و مالش معتدل در حمام باید فرمود تا عرق بیاید و اگر بسبب فساد خون باشد تدبیر موافق باید کرد و خونرا بخوردن اطریفل کشنیزی و مانند آن صاف باید نمود صفت اطریفل کشنیزی - بگیرند پوست هلیله زرد و پوست بلبله و پوست هلیله کابلی و امله مقشر و هلیله سیاه و تخم کشنیز بوداده از هر یک پنج مثقال



مجموع را نرم کوبیده با کره گاو چرب نموده و با هشتاد مثقال عسل مخلوط نموده و یک اربعین در همان جایگاش گذاشته تا مزاج گیرد و قدر شربت آن سه مثقال است و اگر سبب لاغری عظم و بزرگی سپرز باشد یا گرم که در امعاء بهم رسیده باشد علاجش در کتب مطوله مذکور است و باید دانست که بهترین تدابیر در رفع لاغری بعد از رفع امورات نفسانی استعمال عطرها موافق و خوردن غذاهایی که از آنها خون صالح تولد می‌شود از قبیل گوشت بره بریان کرده و حلیم و نخوداب و گوشت کبک و گوشت مرغ خانگی و گوشت بزغاله شیر مست یا کباب بره و دوغ تازه است خاصه نان و انگور سفید و مغز بادام تازه و مغز پسته و زرده تخم مرغ صفت معجون که هر صبح خوردن آن شخص را فربه و رنگ بشره را نیکو گرداند و قوه باه را زیاد کند بگیرند مغز بادام و مغز فندق و مغز پسته و حبه الخضرا و جلفوزه مساوی هم همه را کوفته و با عسل سرشته فندق ها سازند و هر صبح پنج عدد یا هفت عدد بخورند و از پس آن بقدر چهل مثقال شراب کهنه غلیظ بنوشند خاصه کسی که بسن شیخوخیت باشد یا عادت بشراب خوردن داشته باشد

صفت روغنی - که مالیدن آن بر بدن را فربه کند و مجرب است بگیرند کرم خراطین یکمن و برک انجره با شاخهای ریزه آنکه در مازندران کزنا گویند دو من و در نه من آب بپزند تا مهرا شود و ثلث آب بماند که سه من باشد پس آن را صاف کنند و پیاز نرگس نیم کوفته ده سیر و تخم انجره هشت سیر و زفت دو سیر داخل همان آب کرده و با یکمن شیر الاغ چندان بجوشانند که یکمن شود و آن را صاف نمایند و هفت سیر روغن کنجد در آن ریخته و با آتش ملایم و نرم بجوشانند تا آب آن برود و روغن بماند پس از آن بر هر عضو یا بر تمام بدن در مکان گرم خاصه در حمام بمانند بدن را فربه می‌کند بعون اله

### باب بیست و نهم در بیان احتیاط کردن از زهرها و علاج کلی آنها است

اولا ببايد دانست کسی را که در این باب اندیشه و احتیاط است لازم است اجتناب نمودن از خوردن طعامهایی که طعم آنها قوی باشد مثل طعامی که بسیار ترش یا بسیار شیرین یا بسیار شور باشد و باید در محلی که توهم این معنی است در وقت شدت گرسنگی در غذا خوردن و آب نوشیدن بسیار ملاحظه کنند مبادا از شدت تشنگی و گرسنگی طعم آب و غذا را ملذذت نشوند و باید هر روز بر سبیل احتیاط قدر قلیلی از معجون مشرود یطوس و یا تریاق الطین و یا تریاق اربعه و مانند آن بخورند تا از اثر همه زهرها ایمن باشند و اگر کسانی باشند که تحصیل این تریاقها ممکن ایشان نشود هر روز صبح بقدر گردونی کره گاو یا روغن با یک مثقال تخم شلغم بخورند از مضرت همه زهرها ایمن شوند چنانکه نقل کرده‌اند از روفی حکیم که یکی از سلاطین را با سلطان دیگر مخاصمه بود و بعلت بسیاری مارهای گزنده در یکی از منازل عبور لشکر متعذر بود حکیم مزبور عسکر و سپاه سلطان را مامور بخوردن همین روغن و تخم شلغم نمود زهر مارها بآنها اثر نمود و از آن منزل سلامت عبور نمودند

بدانکه بهترین معالجات در باب کسی که ادویه سمی خورده باشد آنست که در حال قی کند پیش از آنکه قوت زهر در بدن پراکنده شود و بقلب رسد به آب نیم گرم و خوردن روغن چندانکه تواند و اگر آب شیبیت یا روغن آمیخته شود بهتر بود و چون قی تمام شود شیر تازه بخورند تا مضرت زهر برطرف شود و اگر تخم انجره که کزنا گویند یا روغن گاو بخورند زهر را بقی یا باسهال دفع کند و اگر اضطراب شدید بهم رسد حقه از شیر یا روغن باید کرد و نباید گذاشت که خواب رود و آرام گیرد تا مطمئن از دفع زهر نشوند و هرگاه معلوم شود که زهر از جمله زهرهای حار است علاج آن باید بعد از قی به آب سرد و گلاب و کافور و آب گشنیز سبز و لعاب اسفرزه سرد کرده بخورند و بر اعضای ریشه مثل قلب و کبد و دماغ ضماهای سرد نبند از قبیل ضحلب یا کافور یا اسفرزه یا آرد جو و مانند آن و دوغ گاو سرد کرده بسیار نافع است و اگر از جمله زهرهایی است که باعث تخدیر و بی‌حسی بدن شود علاجش تریاق فاروق و شراب کهنه یا سیر آمیخته یا شراب با تخم نارنج یا با تخم بانگ کوفته است و اگر از جمله زهرهایی است که صورت نوعیه آن ضد صورت نوعیه انسان است علاج آن بمثر و دیطوس و تریاقات و پازهر کنند و شراب کهنه خورند و خانه را خوشبوی کنند و هرگاه معلوم گردد که از کدام زهر خورده است علاج خاصه آن زهر را کنند چنانکه ذکر خواهد شد

### باب سیم در علاج سمومات خاصه است

بدانکه اگر کسی سم الفار خورده باشد که آن را بفارسی مرک موش گویند

علاجش آنست که اول باید بقانونی که در باب علاج زهرها در باب بیست و نهم ذکر کردیم رفتار کند و قی کردن بچیزهای چرب و شیرین و هر ساعت آب عسل گرم کرده دادن و دو مثقال مرمکی در شراب کهنه حل کردن و خوردن و نیم مثقال جدوار نرم سائیده با شراب نوشیدن و اگر احشاء و امعاء را مضرتی رسیده باشد حقه‌های تریاقی کنند از قبیل شیر و روغن و غذاهای چرب خوردن و اگر سحج و پیچش در شکم بمهرسد علاج آن بلعاب ریشه خطمی خبازی و بهدانه و بارتنگ و تخم ریحان و روغن بادام کنند و تقویت قلب بمعجونات مفرجه قلبیه باید کرد و اگر زبیق و شنجرف خورده باشد علاجش مثل علاج سم الفار است و غذای بسیار چرب باید خوردن و بهترین علاج زبیق آنست که یک مثقال مغز نارجیل دریانی را با نود مثقال شراب گرم کرده بخورند ظاهرا استعمال یک مثقال نارجیل بحری در مشروبات کلیه از سهو کاتب نسخه اول باشد زیرا که قدر شربت نارجیل بحری یک قیراط الی دو قیراط صاحب مخزن ضبط نموده و خودش از سموم قتاله است و خصوصا توضیح کرده که در علاج سموم مقدار چهار حبه الی پنج حبه آن را سوده بمسموم بخوراند مادامیکه سم در بدن باقی است قی می‌آورد و اخلاط فاسد سمیه را دفع می‌کند. و اگر زرنیخ و آهک خورده باشد علاجش آنست که آب گرم یا روغن بخورند و قی کنند یا با شیر به قدری که ممکن است پس از آن حقه بالعباب خبازی و خطمی با روغن باید کرد و اگر در حقه اندکی جدوار داخل کنند عظیم موافق آید و قادر هر حیوانی با شیر خوردن بسی نافع است و انجیر با شیر پخته نیز چنین است و تقویت قلب بشراب یا بمعاجین قلبیه باید کرد و غذاهای چرب و نرم و ملایم از قبیل حریره ناشسته با شیرینی مانند آن بخورند و اگر زنجار خورده باشد و از خوردن وی لرز شدید پدید آید علاجش همچون علاج زرنیخ است که ذکر شد مگر اینکه در اینجا شیرینی بسیار باید داد و در لعابهای حقه جدوار نکنند و ترشی اینجا جایز نیست و در زرنیخ خورده بعد از دو شبانه روز عیبی ندارد و اگر زاج و شب خورده باشند. علاجش آن است که ماء الشعیر با روغن بادام خورند یا شیر الاغ با قرص طباشیر ملین خورند یا کره با شکر خورند یا شربت بنفشه با آب سرد ناشتا خورند و اگر خوردن زاج و شب بعد از حمام و جماع واقع شود منجر باستسقا خواهد شد و اگر تریاک خورده باشند علاجش در اول قی کردن است بروغن و آب نیم گرم یا شیر یا بهاء العسل یا حلتیث و پس از قی کردن مشرودیطوس یا تریاق اربعه خورند و تخم نارنج یا ترنج مقدار یک مثقال کوفته با شراب کهنه بسیار مفید است و همچنین فلفل و سیر و مغز گردو مساوی هم کوفته با قدری کره یا روغن گاو مخلوط کرده بخورند و فلفل و دارچینی و جند بید ستر و زعفران بتنهانی خوردن هر یک با شراب کهنه بسیار نافع است و وقتی یکی از اولاد اکابر تریاک خورده بود بخوردن فلفل با نفت معالجه نمودم و مفید افتاد و مالیدن نفت و روغن قسط بر بدن و بوییدن جند بید ستر و عطسه آوردن و در جای گرم نشاندن و نگذاشتن که بخواب رود نیز مفید است و غذاهای شیرین و چرب باید خوردن و اگر جوز مائل خورده باشد علاجش در اول قی کردن است به چیزهایی که در تریاک خورده مذکور شد و بعد از آن خوردن عاقر قرحا و فلفل و دارچینی و تخم نارنج و تخم انجره که کزنه گویند و جند بید ستر و سیر مفید است و پای در آب گرم نهادن و بدن را گرم کردن بخرقهای گرم و روغن گردو و روغن قسط و نفت گرم کرده مالیدن سودمند است و غذای چرب و شیرین باید خوردن و اگر بذر البنج یا بیروج الصنم خورده باشد علاجش همچون علاج جوز مائل و تریاک است و اگر شوگران خورده باشد علاجش در اول حقه کردن است بشراب صرف و بشیر گاو و پس از آن شراب با فلفل یا سیر یا تخم انجره خوردن و یا نعناع و جند بید ستر و حلتیث و حب الفار و تریاق اربعه نافع بود و پوست درخت توت و برک انجره یا شیر یا با روغن پخته بر معده و شکم ضما نماید بسی مفید است و غذا بنحوی است که در تریاک خورده مذکور شد اما حیوانات سمی گزنده که سم آنها را اثر تام در بدن است از جمله مار است

بدانکه حکما اختلاف کرده‌اند که آیا سم مار گرم است یا سرد حکمای هند را اعتقاد آن است که زهر مار مطلقا سرد است بعلت تخدیر و خواب آوردن و قلت درد کردن و بچیزهای بسیار گرم معالجه شدن و نزد حکمای یونان و اتباع ایشان آنست که زهر مار مطلق گرم است در فایت گرمی بعلت تولید حرارت و عفونت در بدن و سرعت نفوذ و احراق آن علاجش آنست که اول بمحجمه زهر آن را بکشند پس از آن زلو بر آن محل افکنند تا تمام زهر کشیده شود و بعد از آن سیر خام بسیار

کوفته با دوغ گاو یا سرکه طلا کرد و از بعضی حکمای دار المرز مذکور است که شیر خام با شراب خورائیدن بسیار مفید است و بی‌نیازکننده از همه علاجه‌ها است همچنین دو مثقال تخم بالنگ یا نارنج کوفته با شراب کهنه خوردن نیز چنین است و خوردن تریاق فاروق و تریاق اربعه و جدوار و پازهر معدنی و طلا کردن برک انجره و پیاز و سیر با شراب یا با سرکه و یا نفت نافع است و کلاغ و مرغ را شکم شکافته بر محل گزیده گذارند سودمند است و گویند شیر گاو زرد با فراط خوردن بسیار نافع است و دیگر عقرب است

بدانکه عقرب سه نوع بود یکی ذنب بسر داشته راه رود و این نیز بانواع مختلف باشد و زهر او سرد بود و نوع دیگر پردار بود و آن در شوشتر و حویزه بسیار باشد و زهر این مانند زهر نوع اول است و نوع سوم عقرب جراره بود که در رفتن دم خود را بر زمین کشد و حکمای هند زهر جمیع اقسام عقرب را گرم دانسته‌اند و حکمای یونان سرد دانسته‌اند و حق این است که فعل سموم بالخاصیه است نه بالطبع و چون چنین باشد استدلال کردن درست نیست چنانچه در شرح جوامع تفصیل آن ذکر شده و اله اعلم

علاجش آنست که در اول تدبیر زهر باید کرد بمحجمه و مکیدن بسیار و هر لحظه آب از دهن در افکندن حجام که علاج نیکونی است و پس از آن سیر با فلفل یا نمک یا تخم نارنج یا بالنگ کوفته در سرکه حل کرده بمالند یا عرق شراب و سیر بمالند و خوردن عرق و شراب بعد از خوردن سیر خام بسیار مفید است و اگر بجای شراب نفت خورند و در حمام یا در آفتاب نشینند تا عرق کنند و بعد از عرق باز قلیلی شراب یا نفت خورند سخت سودمند باشد و خوردن مثرودیطوس و تریاق اربعه و جدوار بسیار مفید است و گویند اگر شخص فندوق همراه داشته باشد عقرب و رتیلا او را نگزند و مجرب است دیگر رتیلا است بدانکه جالینوس می‌گوید که رتیلا یازده قسم است و بدترین آنها سیاه گرد شکم و کوچک دهان بود و بر پشت آن نقطه‌های سفید بود همچون ستاره و از گزیدن مطلق رتیلا درد دل و غثیان و صداع و رعشه پدید آید علاج آن را همچون علاج عقرب گزیده باید کرد از طلا کردن و جذب زهر نمودن و در حمام بردن و تریاق دادن و آب گرم با شوره طلایه کردن و گویند آب دهن شخص روزه‌دار فوراً درد را ساکن می‌کند خاصه که روزه‌دار حال المزاج هم باشد و گویند ضماد برک توت سیاه بجهت گزیدن رتیلا و سایر هوام بسیار مؤثر و فوراً دافع درد است دیگر زنبور است و آن چندین نوع است و بدترین همه آنها آنست که بر حیوانات زهردار و بزهر مرده نشسته باشد و از گزیدن جمله آنها درد صعب و آماس پدید آید و گاهی کعبیر و شرا در همه تن حادث شود علاجش آب‌غوره یا سرکه بخاک چکانیدن و بر موضع گزیده مالیدن است و سیر کوفته بستن بر آن موضع هم مفید است و تخم بالنگ کوفته با سرکه مخلوط نموده و گرم کرده ضماد نمایند فی الحال درد را ساکن می‌کند و مجرب است و موضع گزیده را در آب گرم لحظه نگاه داشتن و آنگاه با نمک و سرکه طلا کردن بسیار مفید است و گویند کسی که زبان خود را بدندان بگذرد و محکم دارد اگر زنبور کوچک زرد او را بگذرد اثر نگند و مجرب است

#### علاج گزیدن سک دیوانه و گریه و شغال و گرک دیوانه

اولاً باید که جراحت را نگذارند ملتئم و درست شود تا چهل روز و بهجاست و زلو زهر آن را بکشند و زخم را فراخ کنند بدواهای تند و سوزنده و طلا و ضمادی که در علاج مار و عقرب گزیده مذکور شد بکار برند و مثرودیطوس و تریاق اربعه بخورند و سیر کوفته با شراب آمیخته خورند و اگر در روز اول یا دوم محل زخم را داغ کنند بغایت نیکو بود و از آب ترسیدن ایمن شود و اگر دموی مزاج باشد قصد کردن بغایت مناسب است بشرطی که نگذارند که نظر او بر آن خون افتد خاصه اگر چند روز بر آن گذشته باشد و بهر دو سه روز یک مرتبه مسهل سودا باید داد و طبیعت را نرم و لین باید داشت و گاهگاهی حقنه از روغن زیتون و آب برک چغندر و شکر سرخ باید کرد و غذاهای لطیف ملین که در او سیر و پیاز باشد باید داد و گویند اگر جگر همان سک را کباب کرده بخورند فی الفور رفع ناخوشی می‌کند صفت حب مسهل بگیرند پوست حلیمه کبابی دو مثقال و انجیمون یک مثقال نیم و نمک هندی نیم مثقال و بسفایج یک مثقال و تربد مجفف یک مثقال و غاریقون یک مثقال و نیم و خربق سیاه دو مثقال جمله را نرم کوفته حب کنند و قدر شربت آن دو مثقال و باید دانست که تا یقین نکنند که زهر بیرون کشیده نشده مسهل نشاید خوردن و چون رو بخوابی آرد ریاضت معتدل باید کشیدن و اگر از آب ترسیده باشد حیلله باید کرد تا آب داده شود خاصه با شراب ممزوج شود و لیکن بهمه حال دهان جراحت را گشاده باید داشت برهمی که صفتش ذکر خواهد شد اگر یقین داشته باشد که سک دیوانه است اما طریقه امتحان که آیا سک دیوانه است یا نه بگیرند چیز خوردنی و بر جراحت نهند پس پیش مرغ اندازند اگر مرغ آن را نخورد و باز گردد یا بخورد و بمیرد آن سک دیوانه بوده است و همچنین پاره نان بگیرند و بدان چرک و ریم زخم آلوده کنند و در پیش سک غیر دیوانه اندازند اگر سک بخورد بدانند دیوانه نبوده است و اگر نخورد دیوانه بوده است

مرهمی که زخم را نگذارد ملتئم شود بگیرند رفت نود مثقال جاو شیر بیست مثقال در سرکه حل کرده زنت را با وی بیامیزند و بکار برند و سیر و پیاز و تخم تره تیزک مساوی پخته مرهم ساخته بکار برند

کاری از وبلاگ ایام نوشت

[wWw.AFTIMON.Blog.Ir](http://wWw.AFTIMON.Blog.Ir)